

اشاره :

اصلی آن تواناسازی مردم است . پس هدف اصلی ترویج ، عرضه اطلاعات به منظور تواناسازی مردم است که برای دستیابی به این امر مهم ، از روشها و شیوه‌های گوناگونی استفاده می‌کند . مهمترین این روشها؛ آموزش انفرادی - گروهی و استفاده از رسانه‌های انبوهی است که با توجه به موقعیت‌های گوناگون، از هر یک از موارد فوق به صورت توأم یا جدا جدا استفاده می‌کند.

مقاله‌ای که از نظر تان می‌گذرد، به قلم یکی از کارشناسان برجسته (۱۹۸۰) است که در سال ۱۹۸۴ در رم نگاشته شده است . و تحلیلی از روشهای مختلف آموزشی، در کشورهای آسیایی و افریقایی را ارائه می‌دهد. همچنین تحلیلی دارد بر اطلاع رسانی در ترویج در انتها برنامه‌ریزی و اهمیت نقش مردم در برنامه‌ریزی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تاکنون از ترویج کشاورزی تعریف جامع و دقیقی که هم مورد قبول متخصصین ترویج باشد و هم کلیه فعالیت‌های ترویج را دربرگیرد، نشده است . گروهی وظیفه ترویج را فقط انتقال تکنولوژی نوین به روستاها می‌دانند، اما عده‌ای دیگر، هرچند نقش ترویج را در انتقال تکنولوژی مهم می‌دانند، ولی معتقدند فعالیت ترویج، به مراتب گسترده‌تر از انتقال تکنولوژی است. زیرا هم به پرورش خصیصه رهبری می‌پردازد و هم در زمینه افزایش مهارت‌های مدیریت و تصمیم‌گیری، فعالیت دارد.

با این حال همه متخصصین هم عقیده‌اند که ترویج فعالیتی است یا به عبارتی، آموزش است خارج از مدرسه و غیررسمی که در جهت عرضه اطلاعات مفید و تمرینش به روستاییان عمل می‌کند و هدف

فعالیت‌های عمده ترویج در برخی از کشورهای آسیایی و آفریقایی

• Agriculture Extension System's in Some African & Asian Countries: منبع

By : Peter Von Blackenburg
Rome - FAO (1984)

• ترجمه از : مدیریت مطالعات و بررسیها،

معاونت ترویج و مشارکت مردمی،

وزارت جهادسازندگی

در مورد فواید نسبی آموزشهای فردی و گروهی بعداً سخن خواهیم گفت. این دو روش اثر مثبت و قوی در رساندن اطلاعات به روستاییان دارد. بخصوص اگر همراه با این روشها از وسایل سمعی - بصری و رسانه‌های انبوهی استفاده شود. البته آموزشهای فردی نیاز به پرسنل و هزینه زیادی دارد و از طرف دیگر توانایی آموزشگر در این روش آموزشی، بسیار مهم است، در نتیجه آموزش کارکنان اهمیت ویژه‌ای دارد.

البته در کشورهای مختلف در مورد آموزش

خارج از سیستم آموزش رسمی است که اطلاعات لازم را برای طبقات مختلف مردم ، در مراحل گوناگون فراهم می‌کند.

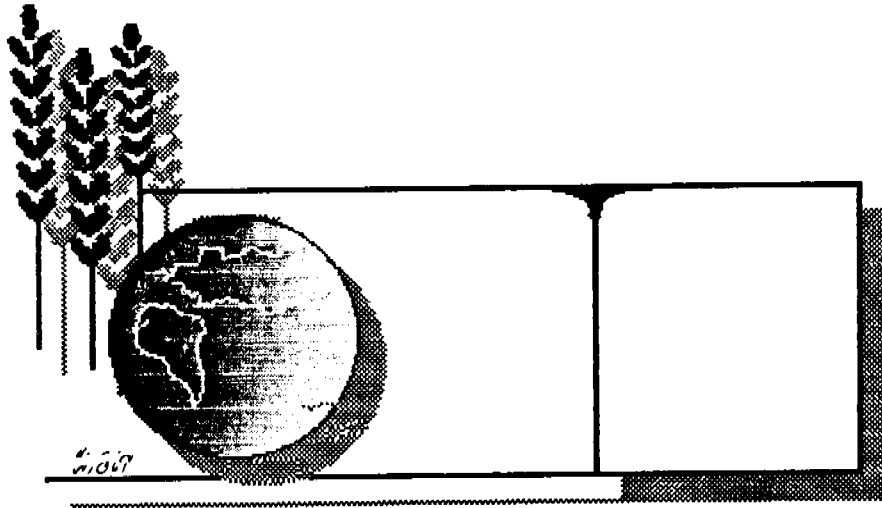
مروج خیره در ترویج ، کسی است که بتواند، در مراحل مختلف پذیرش، روشهای متفاوت آموزشی را بکار برد. مراحل مختلف پذیرش نوآوری، عبارتست از : آگاهی از فعالیت جدید، علاقه‌مند شدن به آن، ارزشیابی ذهنی نوآوری و آزمون نوآوری یا فعالیت جدید ، در یک مقیاس کوچک و در نهایت پذیرش نوآوری .

فعالیت‌های عمده ادارات ترویج

مشاوره فردی و گروهی با کشاورزان

مهمترین وظیفه مروجین مشاوره با کشاورزان ، اعم از زن و مرد، در مورد مسائل خانه و کشاورزی آنهاست. این کار به دو صورت : قابل اجرا است یا به صورت گفتگوی یک مروج با یک ارباب رجوع یا به صورت گفتگوی یک یا چند مروج، با گروهی از مردم (آموزش گروهی) انجام می‌شود. هدف در هر دو شیوه ابلاغ اطلاعات مفید به ارباب رجوع است. چرا که ترویج ، هر چند تنها منبع اطلاعاتی برای روستاییان نیست، اما نقش مهمی در این قضیه دارد.

در آموزش انفرادی و گروهی ، مروج بهتر می‌تواند، اطلاعات مورد نیاز زارع را نسبت به آموزشهای انبوهی، فراهم نماید. ترویج یک آموزش غیررسمی،



انفرادی تأکید زیادی نمی‌شود^۱. اما این دلیل بی‌اهمیت بودن آن نیست؛ چرا که اکثر مروجین، این شیوه را بسیار مفید می‌دانند. در آموزشهای گروهی و فردی انتخاب کشاورزان طرف تماس بسیار مهم است.

آموزش گروهی در کشورهای مختلف به روشهای گوناگون صورت می‌گیرد و در اکثر کشورها روی این نوع آموزش تأکید بیشتری شده است، شاید یکی از دلایل این تأکید این است که در این آموزش، اطلاعات مفید و تأیید شده‌ای را به گروه کثیری از مردم انتقال می‌دهیم.

تعلیم و تربیت کشاورزان (Training for farmers)

واژه تعلیم و تربیت با واژه ترویج متفاوت است. درک این تفاوت مشکل نیست، زیرا اصولاً فعالیتهای ترویج، نقش آموزشی دارند و بیشتر به مبادله اطلاعات فنی و عملی تأکید می‌کنند، اما تعلیم و تربیت، حالت کلاسیک دارد و بیشتر بر علوم پایه تأکید می‌کند و در هر فرهنگی بر اصول و فلسفه همان فرهنگ و جامعه، استوار است. این نوع آموزشها، بیشتر به صورت سیستماتیک عمل می‌کند و در اکثر موارد، گروههای خاصی به این کار اشتغال دارند. اما در ترویج فعالیتهای آموزشی ممکن است توسط گروهها، سازمانها و وزاتخانه‌های مختلف صورت گیرد. در حالی که تعلیم و تربیت یا آموزش و پرورش، در اکثر کشورها بر عهده ادارات آموزش و پرورش است.

سازمانهایی که به امر آموزش و ترویج کشاورزی می‌پردازند، بخشهای مجزایی برای ترویج و آموزش کشاورزی دارند، اما این به معنی عدم ارتباط اینها نیست، برعکس موفقیت سازمانها، بستگی به برقراری ارتباط ترویج و آموزش و تحقیق دارد. لازم به توضیح است در بسیاری از کشورهای آفریقایی کلیساها هم نقش مهمی در آموزش کشاورزان دارند.

آموزشهای بلند مدت کشاورزی در مدارس

آموزشهای بلندمدت کشاورزی، اساساً، به صورت

● در صورتی ما می‌توانیم فارغ التحصیلان کشاورزی را جذب نماییم که اولاً، آموزش کشاورزی حالت عملی بخود بگیرد. ثانیاً بعد از اتمام تحصیلات افراد، مرتباً با آنها ارتباط برقرار نماییم

● در کره بر آموزش زنان روستایی هم تأکید فراوان می‌شود و به عنون جزئی از برنامه توسعه جامع روستایی مطرح است به همین منظور،

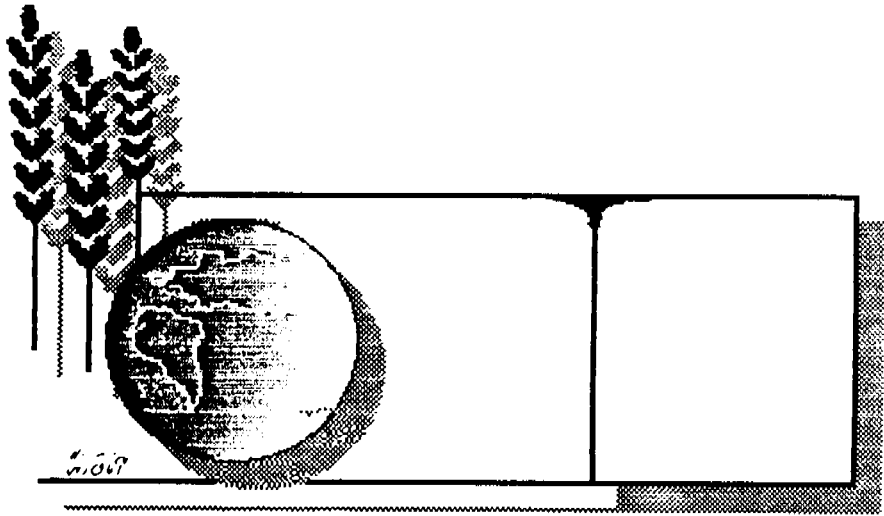
رهبران آینده روستا، می‌پردازد. و برای آموزش کشاورزی، آموزشهای کوتاه‌مدت کشاورزان را در الویت قرار می‌دهند.

اصولاً آموزشهای رسمی و بلندمدت، بیشتر، از ۹ ماه به طول می‌انجامد. مثلاً در یمن هر ساله دوره‌هایی به مدت ۹ ماه یا بیشتر به منظور تربیت مدیران و آماده نمودن کشاورزان ماهر برگزار می‌شود. در کامرون برای مردان و زنان دوره‌های یکساله در محل زندگیشان برگزار می‌کنند در این دوره‌ها، برای مردها در زمینه نگهداری محصولات و دامداری و برای زنها در زمینه بهداشت و تغذیه، کلاس دایر می‌کنند. در این دوره‌ها، هدف آموزش کسانی است که

رسمی هستند و در مدارس و دانشگاهها صورت می‌گیرد. گاهی مدرسی که به امر آموزش کشاورزی می‌پردازند، از قدمت چندین ساله برخوردارند و نقش مهمی هم در آموزش و هم در پرورش روستاییان، بویژه جوانان داشته‌اند. اهمیت این مدارس از دو جهت است هم کشاورزی را آموزش می‌دهند و هم وظایف سایر مدارس غیرکشاورزی یعنی تعلیم و تربیت را انجام می‌دهند. این مدارس، در مناطقی که نیازمند آموزش عمومی بوده و در حال توسعه اقتصادی‌اند و نیازمند به مدیران مجرب برای اداره مزارع هستند؛ اهمیت دارند.

با وجود اهمیت آموزش رسمی کشورهایی که کشاورزی سنتی و مزارع کوچک می‌باشد، استفاده از این آموزشها، برای تمام کشاورزان گرانقیمت است به علاوه در این شیوه آموزش، گاهی کارآموزان تمایلی به برگشت به روستا ندارند و اغلب در شهرها به دنبال شغل مرتب‌تری هستند. فارغ التحصیلان رسمی کشاورزی، هرچند آموزشهای کشاورزی دیده‌اند، اما این آموزشها بیشتر حالت تئوری دارند و قابل اجرا در مزارع نمی‌باشند.

در صورتی ما می‌توانیم فارغ التحصیلان کشاورزی را جذب نماییم که اولاً، آموزش کشاورزی حالت عملی بخود بگیرد. ثانیاً بعد از اتمام تحصیلات افراد، مرتباً با آنها ارتباط برقرار نماییم (منظور مؤسسه آموزشی است) و در نهایت اینکه شروع به کار کشاورزی نیاز به سرمایه دارد؛ باید در مراحل اولیه حمایت مادی از فارغ التحصیلان به عمل آید. با توجه به مشکلات فوق بسیاری از کشورها آموزشهای رسمی بیشتر به منظور اهداف بلندمدتی، مثل تربیت مدیران و یا کارگران ماهر برای مشاغل خاص و نیز



ساله تعداد آن گسترش می‌یابد، این مراکز، ۳۰ تا ۱۵۰ نفر گنجایش دارد که مختص به آموزشهای کوتاه مدت یک تا دو هفته‌ای است. زامبیا، مراکزی مثل کنیا با همان سازماندهی دارد. در مالاوی، مراکز آموزش کشاورزی در قطبهای کشاورزی پراکنده‌اند. هریک از این مراکز، توانایی جذب (سی تا صد) نفر را به طور شبانه‌روز دارند و دوره‌های یک هفته‌ای برای مردان در مورد کشاورزی و دامداری و دوره‌های دو هفته‌ای برای زنها در مورد خانه‌داری برگزار می‌کند. این دوره‌ها، برای جذب بیشتر مردم در اوقات بیکاری و پایان فصول کشاورزی برگزار می‌شود. علاوه بر موارد فوق، مالاوی دارای مراکزی است که کشاورزان را به طور روزانه آموزش می‌دهد. این آموزشها ۲ بار در هفته صورت گرفته، از وسایل سمعی - بصری استفاده می‌کند و هدفش بهبود مهارتهای عملی است.

در تانزانیا، مراکز آموزش کشاورزی یک بخش (واحد) مجزایی دارد که اختصاصاً به آموزشهای کوتاه مدت می‌پردازد. در کامرون، مراکز آموزش روستایی زیر مجموعه‌ای از سازمان ترویج است و دوره‌های کوتاه‌مدت (یک هفته‌ای) برای روستاییان برگزار می‌کند.

امکانات آموزش کشاورزی در آسیا، خصوصیات مشابهی با آفریقا دارد، مثلاً در مالزی، مراکز آموزش روستایی در قطبهای کشاورزی وجود دارد و دوره‌های یک تا ۴ هفته‌ای برگزار می‌کند. این دوره‌ها عمدتاً در ارتباط با محصولات خاص هر منطقه فعالیت دارند. بعلاوه، در این کشور، دوره‌های یک روزه در محوطه باز برگزار می‌شود و راجع به محصولات خاص و مشکلات منطقه بحث می‌کنند. در سری لانکا مراکز آموزش حرفه‌ای، برای کشاورزان زن و مرد و دختران و پسران در مورد نگهداری احشام، آشنایی و دوره‌هایی برگزار می‌کنند. در بنگلادش بر مزارع پیشرو تأکید می‌شود؛ در این مزارع متخصصین به مدت ۳ تا ۴ ساعت در هفته (یکبار در هفته)، در مورد یک موضوع صحبت می‌کنند. این روش آموزش با اعتراضاتی روبرو شده است زیرا از نظر زارعین کسالت‌آور و غیرمفید است.

مسئولیت آموزش در کره، بر عهده اداره توسعه روستایی است. این اداره تقریباً در تمام زمینه‌ها، به

البته این دوره‌ها، برای محصولات خاص یا فعالیتی خاص که مردم از آن اطلاع ندارند، تمرکز دارد. مثلاً در مالاوی و سری لانکا چنین آموزشهایی در ارتباط با کانیزاسیون کشاورزی برگزار می‌شود یا در غنا، دوره‌های آموزشی روی ماکیان و پرورش آنها تمرکز دارد. در سری لانکا، چنین دوره‌هایی برای زنها هم هست و اختصاصاً به تغذیه و بچه‌داری و ... می‌پردازند.

دوره‌های میان مدت، بیشتر اختصاص به کشاورزان جوان دارند؛ زیرا بزرگسالان قادر نیستند برای چند هفته، محل زندگی و کار خود را ترک نمایند. در مراکش، چندین مرکز آموزش میان مدت، برای مردان و زنان وجود دارد، این مراکز، دوره‌های یک تا ۲ ماهه و عمدتاً آموزشهای کاربردی در زمینه فنون کشاورزی یا خانه‌داری را برگزار می‌کند. هریک از این دوره‌ها، در هر رسته، ۲۰ کارآموز می‌پذیرند که اغلب رهبران شرکت کنندگان آینده روستا یا کشاورزان پیشرو هستند. در این دوره‌ها آموزشگران تلاش دارند، انگیزه ماندن در روستا را در جوانان تقویت کنند. در بیشتر کشورهای آفریقایی دوره‌های میان مدت توسط مراکز خصوصی برگزار می‌گردد. کلیساها هم در این زمینه نقشی فعال دارند.

بیشترین نوع آموزش در کشاورزی، آموزش کوتاه مدت است که بین یک تا دو روز، به طول می‌انجامد. آموزش کوتاه مدت، اصولاً جزء برنامه‌های منظم ترویج است و در اکثر کشورها (در سراسر کشور)، مراکزی برای این کار فراهم است و آموزشهای لازم را در مورد هر منطقه، با توجه به نوع فعالیت، ارائه می‌دهند.

کنیا، تقریباً ۴۵ مرکز آموزش کشاورزی دارد که هر

● در کامرون برای مردان و زنان دوره‌های یکساله در محل زندگیشان برگزار می‌کنند در این دوره‌ها، برای مردها در زمینه نگهداری محصولات و دامداری و برای زنها در زمینه بهداشت و تغذیه، کلاس دایر می‌کنند.

● در مراکش، چندین مرکز آموزش میان مدت، برای مردان و زنان وجود دارد، این مراکز، دوره‌های یک تا ۲ ماهه و عمدتاً آموزشهای کاربردی در زمینه

بعداً بتوانند به همسایگان و روستاییان دیگر کمک کنند. در کامرون، کلیساها هم، کلاسهای آموزشی دایر می‌کنند.

دوره‌های میان مدت و کوتاه مدت آموزش کشاورزی در کشورهای گوناگون (آسیایی و آفریقایی)

آموزشهای کوتاه مدت و میان مدت کشاورزی، مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه، از آموزشهای بلندمدت و رسمی اهمیت بیشتری دارد. اصولاً کشورها، دوره‌هایی که حداکثر ۲ تا ۴ هفته به طول می‌انجامد، برگزار می‌کنند. بندرت ممکن است، دوره‌های طولانی‌تری مثلاً، ۲ تا ۴ ماه برگزار شود،



آموزش کشاورزان می‌پردازد. مثل آموزش فنون کشاورزی، تعمیرات ماشین‌آلات، آموزش رهبران محلی، مدیریت مزرعه، ... این دوره‌ها، از یک روز تا یک هفته در سطح کشور یا استان برگزار می‌شود. مجریان این برنامه‌ها با برقراری دوره‌های مفید، هر ساله تعداد افراد شرکت‌کننده را افزایش می‌دهند. در سال ۱۹۸۰ تعداد ۲/۴۷۹/۰۰۰ نفر برای دوره‌های کوتاه مدت ثبت‌نام کرده‌اند. در کره همچنین کلوب‌هایی برای جوانان روستایی وجود دارد که در مورد مکانیزاسیون و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای دوره‌هایی را برگزار می‌کنند. در کره بر آموزش زنان روستایی هم تأکید فراوان می‌شود و به عنوان جزئی از برنامه توسعه جامع روستایی مطرح است. به همین منظور، برای زنان دوره‌هایی در مورد تغذیه، خانه‌داری و امور مزرعه برگزار می‌کنند.

در کامرون آموزش سیار کاربرد وسیعی دارد. در این نوع آموزش، آموزشگر از یک روستا به روستای دیگر می‌رود. در سال ۱۹۸۱ تقریباً ۴۱۰۰ نفر کشاورز با این شیوه تعلیم دیده‌اند. بازه این روش در مقایسه با دوره‌هایی غیرسیار در کامرون، بسیار بیشتر بوده است.

کمبود کادر آموزشی و نبود سرمایه کافی در سازمانها، مانع از برگزاری دوره‌های پرخرج است. به همین دلیل گاهی آموزش کشاورزی در غالب سوادآموزی تابعی، گنجانده می‌شود^۲. مثلاً در مالی و سنگال چنین برنامه‌هایی برای افزایش اطلاعات رهبران محلی، به کار می‌رود. در کشور مالی، ۳۶۰۰ مرکز سوادآموزی تابعی که به آموزش کشاورزی هم اشتغال دارند، وجود دارد. در این مراکز علاوه بر کشاورزی، بهداشت و تغذیه هم، آموزش داده می‌شود.

■ نقدی بر مشکلات آموزش کشاورزی

با یک بررسی سریع در مورد آموزش کشاورزی، به هزینه بالای آموزش‌های بلندمدت برخورد می‌کنیم. به طور معمول جهت آموزش هیچ دستمزد یا حق الزحمه‌ای از کشاورزان گرفته نمی‌شود. فقط برخی از گزارشها، به پرداخت هزینه توسط کشاورزان کره‌ای، برای جبران بخشی از هزینه آموزش، اشاره دارد. همچنین در آموزش عالی کشاورزی، ممکن است

فارغ‌التحصیلان مدارس کشاورزی، با وجود هزینه زیادی که صرف می‌شود، جذب کار کشاورزی نمی‌شوند. این مسأله هرچند ممکن است، مورد تأیید فارغ‌التحصیلان باشد، اما با سرمایه کلانی که مصرف نموده به ضرر بخش کشاورزی است. بدیهی است با توجه به موارد فوق، انتخاب دقیق شرکت‌کنندگان و نیز انتخاب مطالب، برای افراد بسیار مهم است^۳. برای دستیابی به آموزش‌های کوتاه مدت و برنامه‌ریزی در این مورد رعایت نکات زیر ضروری است.

- بطور کلی، آموزش نیاز به زمان دارد، اما باید دقت شود، با انتخاب صحیح مطالب و زمان مناسب، تعداد افراد در طول دوره آموزش، کم نشود و افراد، دوره را ترک نکنند.

- باید محتوای دوره طوری انتخاب شود که بلافاصله مورد استفاده قرار گیرد و کشاورزان، سریعاً اطلاعات دریافتی را به کار گیرند.

- در دوره‌های کوتاه مدت، حق تقدم با افرادی است که نیازمند آموزش هستند.

- محتوای دوره باید با نیازهای شرکت‌کنندگان در ارتباط بوده، درصد رفع آنها باشد.

هم اکنون اکثر کشورها، دقت زیادی در انتخاب محتوای دوره‌ها دارند، زیرا الزاماً هر دوره‌ای در صورت بی‌توجهی، مطلب قابل ملاحظه‌ای به زارعین منتقل نمی‌کند. از طرف دیگر باید پذیرفت که روستاییان ذاتاً تمایلی به افزایش اطلاعات خود ندارند^۴. پس باید موضوعی انتخاب گردد که علاوه بر اهمیت آن، مورد علاقه فراگیران باشد. این مسئله اهمیت تواناییهای آموزشگر را به نسبت می‌رساند و لزوم تربیت آموزشگران زبده را، مورد تأیید قرار می‌دهد.

■ خدمات اطلاع‌رسانی و استفاده از آموزش‌انبوهی در ترویج

خدمات اطلاع‌رسانی در کشاورزی، هم‌زمان با رشد سوادآموزی و افزایش میزان دسترسی روستاییان به رادیو و حتی ایستگاههای تلویزیونی، در اکثر کشورها، اهمیت زیادی یافته است. معمولاً یک بخش از وزارت کشاورزی کشورها، هم‌زمان با سایر بخشها، به امر اطلاع‌رسانی می‌پردازد و وظیفه دارد، خدمات ترویج را پشتیبانی کند. این وظیفه با تولید برنامه‌های

● در وزارت کشاورزی مالووی، بخشی از فعالیتهای ترویج به چاپ و انتشار کتاب، بولتن، مجله کشاورزی، تهیه برنامه‌های رادیویی و فیلمهای کشاورزی اختصاص دارد. این بخش، توسط تعدادی سینمای سیار که در سطح ملی به نمایش فیلم اقدام می‌کنند، حمایت می‌شود.

فراگیران، بخشی از هزینه را تأمین نمایند؛ اما در اکثر موارد تأمین هزینه به عهده دولت است.

با توضیحی که گذشت تعیین گروه هدف، بسیار مهم است. باید حق تقدم با دختران و پسرانی باشد که در آینده بتوانند در بخش کشاورزی مفید باشند و نیز باید حق تقدم با دختران و پسرانی باشد که در آینده بتوانند در بخش کشاورزی مفید باشند و نیز باید حق تقدم با کسانی باشد که شغلی ندارند و نیازمند فراگیری حرفه برای اشتغال هستند. همین‌طور انتخاب کارگران و آموزش آنها، در کشورهایی که مزارع وسیع دارند، ضروری است.

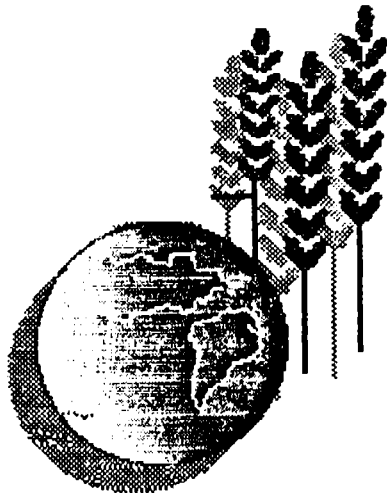
در بخش آموزش کشاورزی، ارزشیابی از میزان موفقیت دوره‌ها، بسیار مهم و تا حدودی مشکل است. بخصوص این مشکل در آموزش‌های رسمی و بلندمدت به چشم می‌خورد، زیرا بسیاری از

گروهی و تهیه و چاپ مواد آموزشی، صورت می‌گیرد. گاهی وظیفه این واحدها، اصلاح و بهبود ارتباط ترویج و آموزش و ارسال پیامهای تخصصی در مورد کشاورزی به مأموران ترویج، در روستاهاست.

اکثر خدمات اطلاع رسانی کشاورزی، دولتی هستند. اما گزارشات کمی از آنها در دست است. مثلاً وزارت کشاورزی و ماهیگیر عمان، تهیه اطلاعات برای کشاورزان و ماهیگیران را به عهده دارد. این وزارتخانه، به همراه سایر وظایف خود، یک برنامه رادیویی هفتگی و یک برنامه تلویزیونی دو هفتگی را پخش می‌کند. این فعالیتها توسط واحد سمعی و بصری بخش اطلاع رسانی تهیه می‌شود. به نظر می‌رسد مواد نوشتاری به منظور حمایت از فعالیتهای ترویجی کاربرد اندکی دارد. با بررسیهایی که در عمان صورت گرفته است، تقریباً (در منطقه مورد مطالعه) هیچ فردی انتشارات کشاورزی را دریافت نکرده است. اما $\frac{2}{3}$ زارعین از طریق رادیو و تلویزیون، برنامه‌های کشاورزی را دریافت کرده‌اند. اصولاً در کشورهایی که تعداد کارکنان ترویج کم است و باید بخش وسیعی از کشور، تحت پوشش قرار گیرد؛ استفاده از وسایل ارتباط جمعی رادیو و تلویزیون، در اولویت قرار می‌گیرد.

در وزارت کشاورزی مالووی، بخشی از فعالیتهای ترویج به چاپ و انتشار کتاب، بولتن، مجله کشاورزی، تهیه برنامه‌های رادیویی و فیلمهای کشاورزی اختصاص دارد. این بخش، توسط تعدادی سینمای سیار که در سطح ملی به نمایش فیلم اقدام می‌کنند، حمایت می‌شود. علاوه بر این در هر یک از قطبهای کشاورزی، یک واحد دیداری - شنیداری، وجود دارد که با در اختیار داشتن یک سینما، به نمایش فیلم و چاپ بولتن کشاورزی می‌پردازد.

در کنیا مرکز اطلاعات کشاورزی (AIC)^۵، وجود دارد که زیر نظر وزارت کشاورزی، فعالیت می‌کند. وظیفه این مرکز انتشار یافته‌های تحقیقی کشاورزی، برای مروجین و کشاورزان است. این مرکز در تماس نزدیک با مراکز تحقیقاتی و مسئولین ترویج می‌باشد. از وظایف دیگر آن تبدیل اطلاعات تخصصی، به پیامهایی ساده و پر محتوا برای کشاورزان و تولید برنامه‌های رادیویی کشاورزی (روزانه به زبان کنیایی و



● کمبود کادر آموزشی و نبود سرمایه کافی در سازمانها. مانع از برگزاری دوره‌های پرخرج است. به همین دلیل گاهی آموزش کشاورزی در غالب سوادآموزی تابعی، گنجانده می‌شود

هفتگی به زبان انگلیسی) است.

تهیه تک برگهایی حاوی مطالب آموزشی - ترویجی، پوستر، اسلاید و فیلم از دیگر خدمات این مرکز است. همچنین (AIC) از سال ۱۹۷۹ فصلنامه‌هایی حاوی اطلاعات عمومی و تخصصی، برای کارکنان چاپ می‌کند تا اطلاعات کارکنان به روز باشد. (AIC) جزواتی را چاپ می‌کند که به صورت راهنماست و اطلاعات مفید را، سربعداً در اختیار متقاضی قرار می‌دهد. و همچنین برای آموزش کارکنان ترویج در مورد فرآیند و فلسفه ترویج و روشهای ارتباطی دوره‌هایی را برگزار می‌کند. هر ساله ۳۰۰ تن از کارکنان ترویج، از این آموزشها بهره می‌گیرند.

بنگلادش نیز در زمینه اطلاع رسانی به کشاورزان فعال است. در این کشور، اطلاعات ضروری در بخش کشاورزی را، در غالب برنامه‌های رادیویی، فراهم و به شکل محلی برای زارعین روستاییان پخش می‌شود. علاوه بر این، واحد اطلاع رسانی وزارت کشاورزی

بنگلادش، دارای سینمای سرپوشیده است که فیلمهای آموزشی پخش می‌کند.

در سازمان توسعه روستایی کره جنوبی یک مرکز اطلاعات فنی کشاورزی وجود دارد. این مرکز ماهنامه‌هایی در تیراژ نوده‌هزار برای کشاورزان منتشر می‌کند. به علاوه این واحد به تولید نشریات تک برگی، بروشور، اسلاید و فیلم اشتغال دارد. فصلنامه‌های مفیدی هم در تیراژ ۱۲ هزار برای کارکنان ترویج و مراکز تحقیقاتی منتشر می‌کند. همچنین این مرکز مسؤلیت پخش روزانه دو برنامه رادیویی و تعدادی برنامه تلویزیونی را برعهده دارد. البته فقط این مرکز اطلاع رسانی فنی کشاورزی در کره، از وسایل انبوهی یا روشهای گروهی برای دادن اطلاعات استفاده نمی‌کند، بلکه روشهای دیگر هم جایگاه خود را دارند. مثلاً کشاورزان، به طور هفتگی مجلاتی را در زمینه مسائل کشاورزی دریافت می‌کنند.

با بررسی مثالهای فوق، درمی‌یابیم که در اکثر موارد، مراکز اطلاع رسانی دولتی وظایف خود را بخوبی انجام داده‌اند، اما باید توجه نمود که هر چند هدف اینها پشتیبانی فعالیتهای ترویج است، ولی لزوماً زیر نظر ترویج فعالیت ندارند، بلکه این کارکنان ترویج هستند که با رادیو و تلویزیون همکاری می‌کنند.

همکاری و هماهنگی ترویج و واحدهای اطلاع رسانی، یک ضرورت است، ولی متأسفانه این ارتباط گاهی سست است. مسأله دیگر که وضع را پیچیده تر می‌کند، این است که، مراکزی که وظیفه انتشار اطلاعات را به عهده دارند، غیردولتی اند یا زیر نظر وزارتخانه‌های غیر از وزارت کشاورزی هستند. اما به هر حال، ارتباط اینها برای پیشبرد اهداف ترویج ضروری است. زیرا قبل از شروع به فعالیت در هر موردی، نیاز به اطلاعات است.

■ برنامه‌ریزی در ترویج - ارزشیابی برنامه‌های ترویجی

برنامه‌ریزی عبارتست از تعیین هدف و وضع خط مشی و آنگاه تعیین منابع برای رسیدن به هدف و سپس تصمیم‌گیری در مورد فعالیتهای انتخاب یک راه از میان راههای متعدد البته ارزشیابی از فعالیتهای ترویجی، بسیار مهم است، چرا که نتایج حاصل از

ارزشیابی، در برنامه‌ریزیهای آینده به کار می‌رود. بدیهی است، ترویج در برنامه‌ریزی فعالیتهایش، استقلال کامل ندارد، زیرا از یک طرف، باید برنامه‌ها در جهت اهداف جامعه باشد و از طرف دیگر منابع مورد نیاز ترویج، نامحدود نیست و توسط وزارت کشاورزی یا مراجع بالاتر تأمین می‌شود، در ترویج سه نوع برنامه‌ریزی داریم؛ ۱ - ملی ۲ - ناحیه‌ای (ناحیه یا بلوک - استان) ۳ - محلی (بخش - روستا)

هر سه نوع برنامه‌ریزی به نوعی تحت تأثیر اهدافی است که جامعه برای توسعه روستایی در نظر گرفته است. وضعیت تولیدات کشاورزی، اشتغال در روستا و منابع درآمد روستا، همه و همه در شکل‌گیری اهداف ترویج، در برنامه‌ریزی نقش دارند. برنامه‌های ملی، برحسب اهمیت، اولویت بندی می‌شوند و با توجه به بودجه تعیین می‌شوند و در اکثر موارد ترویج، بر سایر سازمانهایی که در زمینه توسعه روستا فعالیت دارند، ارجحیتی ندارد.

برنامه‌ریزی در سطح ناحیه، اهمیت فوق العاده‌ای دارد. چون غالباً در این سطح درباره مسائل روستایی تصمیمات اجرایی گرفته می‌شود. در این سطح برنامه‌ریزی، آشنایی با تراکم کارکنان و کشاورزان در منطقه، دسترسی به تحقیقات و توانایی در انتقال پیامها به کشاورزان مهم است چرا که تصمیمات در ناحیه، بر مبنای همین اطلاعات است.

برنامه‌ریزی در سطح محلی (روستا - بخش) اهمیت کمی دارد. به عبارتی برنامه‌ریزی که در سطح روستا می‌شود، از آنجایی که کارکنان صلاحیت این کار را ندارند، اگر بدون استفاده از نظرات متخصصان و مراجع بالاتر باشد، فاقد اهمیت است. با این حال در برنامه‌ریزی، رهبران محلی و کارکنان صحرایی را نباید نادیده گرفت. هم اکنون در مورد برنامه‌ریزی، از پایین به بالا، تأکید فراوانی شده است. مخصوصاً این مسأله در هیئت "آموزشی و دیدار" نقش مهمی دارد. سالها بود که برنامه‌ریزی از بالا به پایین اجرا می‌شد، اما نتایج مثبتی به بار نمی‌آورد. اکنون ثابت شده است که جمع‌آوری اطلاعات و آشنایی با روستا، نقش مهمی در موفقیت برنامه دارد و در این مورد رهبران محلی و کارکنان صحرایی مفید هستند. نهایت

مطلوب در برنامه‌ریزی آن است که تعادلی بین برنامه‌ریزی، از بالا به پایین و برنامه‌ریزی از پایین به بالا، ایجاد شود که هم از نظریات کارشناسان و متخصصان استفاده شود و هم از تجربیات و شایستگی‌های افراد و کارکنان در سطح روستا. انجام این عمل، باعث پیشروی برنامه است، چرا که از حمایت مردم هم برخوردار می‌شود.

اصولاً برنامه‌های تزویجی، یک ساله هستند، هر چند گاهی در غالب برنامه‌های توسعه، چهار تا شش سال به طول می‌انجامد، اما تعداد این برنامه‌ها محدود است. در سطوح پایین‌تر حتی ممکن است، ما برای دوفصل زراعی برنامه‌ریزی کنیم.

الگوهای برنامه‌ریزی در آسیا و آفریقا

در این بخش، چند نمونه از روشهای برنامه‌ریزی، در کشورهای مختلف، مورد مقایسه قرار می‌گیرد. در کشور سوئدان، برنامه اولیه با پیش نویس برنامه، توسط کارکنان سطوح پایین ترویج در مناطق، بر مبنای برنامه‌های قبل و نتایج حاصل از ارزشیابی برنامه‌های گذشته، تنظیم می‌شود. در بسیاری از موارد، از نمایندگان سازمانهای کشاورزی، برای شرکت در بحثها، مقدماتی، برای تهیه پیش نویس برنامه دعوت به عمل می‌آید. پس از این مرحله پیش نویس طرحها و برنامه‌ها، به اداره ملی ترویج و از آنجا به بخشهای تخصصی سازمان جهت برنامه‌ریزی اصلی ارسال می‌شود. پس از تجزیه و تحلیل و تعیین نقاط قوت و ضعف طرحها، آنها را تقدیم رؤسا و مدیران ترویج، در مناطق مختلف کشور می‌کنند. سپس یک دیدار سالیانه بین مدیران بخشها، مناطق و رهبران محلی برگزار می‌شود و در مورد برنامه‌ها بحث و گفتگو می‌کنند و در نهایت برنامه‌ها به تصویب می‌رسد. همان طوری که مشاهده می‌شود، این نوع برنامه‌ریزی از پایین به بالاست و موفقیت آمیز است.

چنین الگوی موفق در مالاوی هم اجرا می‌شود، در این کشور اداره توسعه، که مسئولیت نظارت بر تعدادی از دستیاران صحرایی را به عهده دارد و در رأس برنامه‌ریزی برای نواحی قرار گرفته است؛ یک برنامه سالانه با کمک مردم و دستیاران خود طرح

می‌کند. در این برنامه، نتایج حاصل از برنامه‌های قبلی و تجربیات گذشته به کارگرفته می‌شود و سعی می‌شود برنامه‌ها در جهت سیاستهای دولت اجرا گردد. برنامه‌های طرح شده توسط این اداره، به وسیله کارکنان صحرایی دقیقاً به اجرا درمی‌آید. در اکثر موارد مدیران پروژه‌ها، ریاست اداره توسعه کشاورزی در مناطق را برعهده دارند. برنامه‌ریزی به نحوی است که هم از نظر رهبران محلی و مردم و هم از نظر مسؤولین و کارشناسان رده بالای وزارت کشاورزی و اداره توسعه روستایی استفاده می‌شود. لازم به توضیح است طرحهایی که به تصویب اداره توسعه می‌رسد، توسط وزارت کشاورزی هم، بازخوانی و بررسی می‌شوند.

در جمهوری کره، برنامه‌ریزی برای توسعه روستایی با توجه به خط مشی‌های دولت در مورد توسعه و با در نظر گرفتن اولویتهای، از محل دارایی‌های دولت انجام می‌پذیرد. در این کشور هر یک از نواحی، مطابق خط مشی دولت برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌کند. سپس برای تصویب و دریافت بودجه، طرح آنرا به مرکز توسعه روستایی می‌فرستند.

در اداره مرکزی طرحها به طور سالیانه بررسی می‌شود. مراحل بعدی اجرا و تصویب طرح شبیه مالاوی است. فعالیتهای توسعه روستایی در جهت دستیابی به اهداف و سیاستهای دولت است. عبارات دیگر در مواردی سیاستهای دولت، فشارهایی را جهت طرح برنامه خاص به مراکز توسعه روستایی اعمال می‌کند که ممکن است، امکان پذیرش آن نباشد، این یک ضعف عمده در روش برنامه‌ریزی کره جنوبی است. این کشور برای برنامه‌ریزی بهتر لازم است برای نظر رهبران محلی و مردم ارزش بیشتری فایده شود و برنامه‌ریزی از پایین به بالا را تقویت کند.

پی نوشتها:

۱ - بعضی از روتتهای آموزش افرادی در ترویج عبارتند از: ملاقات در مزرعه و خانه - دیدار از باب رجوع از دفتر ترویج - تماس غیرسنتیم - کشاورز سونه - استفاده از پرچم صحرایی (شهبازی اسماعیل - مرجع ترویج - صفحه ۳۷۵)

۲ - سواد آموزی تابعی یعنی سوادآموزی که با آموزشهای تخصصی، معمولاً از نوع فنی، ادغام شده ● بقیه در صفحه ۲۳